



شوڪ در بندر

آخرین تلفات: ۵ نفر کشته

و بیش از ۷۰۰ نفر زخمی شدند

و انفجار بودند. همزمان با بروز بحران در محل، امدادگران و مأموران امنیتی تلاش خود را آغاز کردند تا اوضاع را کنترل کنند، اما شوک ناشی از حادثه ناگهانی و میزان خسارت‌هایی که مقابل دیدگان همه قرار داشت، همه را حیرت‌زده کرده بود.

شمار زیاد مجروحان و نیاز به خون

همزمان سستاد بحران وضعیت اضطراری اعلام کرد و بیمارستان‌های بندرعباس و شهرهای اطراف به حالت آمادهباش درآمدند و نیروهای امداد برای امدادرسانی و مأموران پلیس و واکنش سریع برای برقراری امنیت در محل حاضر شدند و آتش‌نشانان از زمین و آسمان مشغول مهار آتش شدند. در بیمارستان‌ها به دلیل میزان بالای پذیرش مجروحان از افراد دارای گروه خونی O مثبت و منفی خواسته شد خون بدهند. شبکه ملی خون‌رسانی با استفاده از ذخایر استان‌های همجوار به سرعت برای تأمین خون مورد نیاز حادثه‌دیدگان اقدام کرد. با این حال سازمان انتقال خون با فعال کردن شبکه ملی خون‌رسانی، ارسال خون و فرآورده‌های خونی را از استان‌های شمالی و اصفهان شروع کرد.

کانتینرهای منفجره

حدود ۲۰ دقیقه بعد از انفجار، مدیر ستاد بحران استان هرمزگان گزارش داد حادثه به دلیل انفجار در کانتینرهای دپو شده اتفاق افتاده است، اما پرسش این بود که محتوای کانتینرها چه بوده و چگونه منجر به چنین انفجار مهیبی شده است؟



قتل به خاطر فحاشی

غلامرضا مسکنی

پسر جوانی که به خاطر فحاشی درگیری خونینی را در یکی از خیابان‌های جنوبی پایتخت رقم زده‌بود، پس از قرار به مرزهای غربی عذاب و جدان گرفت و به تهران بازگشت و خودش را به پلیس معرفی کرد. شامگاه پنج‌شنبه چهارم اردیبهشت قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۸ کاشنهر از قتل پسر جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی وقتی به محل رسیدند، در یافتند لحظاتی قبل مرد جوانی با چهار پسر موتورسوار درگیر شده و در جریان آن، با ضربه یکی از آنها زخمی و به بیمارستان منتقل شده‌است. پس از این، تیم پزشکی تلاش زیادی را برای نجات جان مرد جوان انجام می‌دهند، اما وی بر اثر شدت خونریزی در نهایت روی تخت بیمارستان به کام مرگ می‌رود.

قرار به مرز

هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، تیم جنایی با بررسی دوربین‌های مدار بسته محل حادثه و بررسی‌های میدانی، تحقیقات خود را درباره این حادثه خونین آغاز کردند.

مأموران در ادامه هویت چهار پسر موتورسوار را به دست آوردند و عامل حادثه را به نام هومن شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان داد هومن و مقتول ساعتی قبل از حادثه خونین با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را کتک می‌زنند و درگیری تمام می‌شود تا اینکه لحظه حادثه قاتل و

در حالی که تلاش برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها جریان داشت، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گزارش داد انفجار ارتباطی با پالایشگاه‌ها و مخازن سوخت و مجموعه پخش و خطوط لوله نفتی این شرکت ندارد. با این حال محمدعلی مجتهدزاده، مدیر روابط عمومی شرکت پالایش نفت بندرعباس اعلام کرد فعالیت پالایشگاه نفت بندرعباس بدون وقفه در جریان است و حادثه اسکله شهید رجایی هیچ‌گونه ارتباطی با پالایشگاه نفت بندرعباس ندارد و هیچ خللی در روند فعالیت‌ها و تولید این مجموعه ایجاد نکرده است. فعالیت‌های این شرکت پالایشی طبق روال همیشگی در حال انجام است و عملیات تولید و ارسال فرآورده‌های نفتی بدون وقفه ادامه دارد.

شروع حادثه از آتش‌سوزی جزئی

پس از آن اما سازمان گمرک خبر داد حادثه انفجار در محوطه کانتینری سینا و وابسته به سازمان بنادر و دریانوردی رخ داده است. براساس گزارشی که فارس به نقل از شاهدان منتشر کرده، به نظر می‌رسد ابتدا یک آتش‌سوزی جزئی رخ داده، اما به دلیل دمای هوای ۴۰ درجه و انباشت مواد اشتعال‌زا، آتش به سرعت سرایت کرده و باعث انفجار شده‌است. فارس همچنین از استشمام بوی گوگرد حوالی محل حادثه گزارش داده و اعلام کرده عوامل مدیریت بحران برای بهبود امدادرسانی اقدام به تخلیه خودروها از محل کرده‌اند.

واکنش رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور هم ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با حادثه‌دیدگان، دستور بررسی وضعیت و علل حادثه را صادر



بازداشت شرور مسلح کیانشر

در مرخصی زندان

معاون اجتماعی سازمان اطلاعات پلیس پایتخت از دستگیری شرور مسلح در محله کیانشر تهران خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ اکبر موسوی گفت: مأموران پایگاه ششم پلیس اطلاعات بعد از دریافت گزارش تیراندازی در محله کیانشر در این باره تحقیق کردند.

وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد تیراندازی از سوی یکی از اشرار مسلح رقم خورده‌است که در جریان آن شرور مسلح برای قدرت‌نمایی اقدام به تیراندازی کرده‌است که باتوق وی در پارک خیابان نبرد شناسایی شد. سرهنگ موسوی گفت: همچنین معلوم شد که متهم از اوباش سابقه‌دار است و قبلاً به اتهام سرقت هم بازداشت شده‌بود و حادثه تیراندازی را هنگام باز خصی از زندان رقم زده‌است که مأموران همزمان با دستگیری متهم در بازرسی از وی، اسلحه گرم کشف کردند.

شلیک مرگبار برای حل اختلاف مالی

مردی در شهرستان دودود برای حل اختلاف مالی دست به اسلحه برد و مرتکب قتل شد.

سرهنگ مجتبی نوریان، فرمانده انتظامی دودود گفت: در روز قبل مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش تیراندازی در یکی از روستاهای اطراف در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد در جریان حادثه تیراندازی مرد جوان با شلیک گلوله اسلحه شکاری به قتل رسیده‌است. همچنین مشخص شد عامل قتل یکی از دوستان مقتول است که از محل متواری شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی متهم تحت تعقیب قرار گرفت و به همراه همدستش بازداشت و در بازرسی از محل یک قبضه سلاح شکاری هم کشف شد. متهم اصلی در بازجویی‌ها گفت که از مدت‌ها قبل با مقتول اختلاف مالی داشته و زمانی که اختلاف‌شان بالا گرفته حادثه را رقم زده‌است.

کندن گوش

برای یک جفت گوشواره

سارق خشن با ۱۴ سابقه سرقت در پرونده‌اش با دو قیش حقوقی از زندان آزاد شد و این بار حین سرقت لاله‌های گوش زن جوان را کند



آرمین بینا

زندانی فراری که با همدستی سارق دیگری در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران حین سرقت گوشواره، لاله گوش زن جوانی را پاره کرده و به او و فرزند خردسالش صدمه زده بود و در دام مأموران گرفتار شد. همدست وی که بیش از ۴۰ سابقه سرقت و زورگیری در پرونده‌اش ثبت شده، تحت تعقیب مأموران پلیس قرار دارد.

اواخر فروردین‌ماه امسال مردی در تهران وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از دو سارق خشن به اتهام سرقت گوشواره‌های همسرش شکایت کرد.

پاره شدن گوش

وی در توضیح ماجرا گفت: «خانم‌ام در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران در منطقه خزانه است. شب بیرون از خانه بودیم تا اینکه ساعتی قبل همراه همسر و فرزند خردسالم با خودرویم به طرف خانه‌مان حرکت کردیم. در نزدیکی خانه، خودرویم را پارک کردم، اما همسر و فرزندم قبل از پارک خودرو پیاده شدند

و داخل کوچه به طرف خانه‌مان به راه افتادند که ناگهان مرد جوان هیکلی در تاریکی شب از پشت به همسرم حمله کرد و گوشواره او را از گوشش کشید. همسرم همراه فرزندم روی زمین افتادند و سارق خشن هم فرار کرد. با دیدن این صحنه یک لحظه شوکه شدم و سارق را تعقیب کردم، اما او کمی آن طرف‌تر سرور موتورسیکلت همدستش شد و فرار کرد. لاله‌های گوش همسرم در این حادثه پاره شده بود و خون تمام بدنش را گرفته بود که او را برای درمان به بیمارستان رساندم و سپس برای شکایت به اداره پلیس آمدم.»

سرقت وحشیانه

با شکایت مرد جوان، پرونده به دستور بازپرس دادرسی ویژه سرقت برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی قرار گرفت. همزمان با ادامه تحقیقات، فیلم سرقت وحشیانه دو سارق از زن جوان در فضای مجازی منتشر شد. بررسی فیلم نشان داد، زن جوان همراه فرزند خردسالش داخل کوچه به سمت خانه‌اش در حال حرکت است که موتورسیکلتی با دو سرنشین کمی آن طرف‌تر توقف می‌کند. مرد هیکلی از موتورسیکلت پیاده و از کنار زن جوان رد می‌شود و ثانیه‌هایی بعد ناگهان‌دانه از پشت به زن جوان حمله می‌کند. زن جوان که دست فرزند خردسالش را در دست دارد، شوکه می‌شود و مرد جوان هم همان ابتدا گوشواره زن جوان را می‌گیرد و می‌کشد. زن مقاومت می‌کند، اما سارق هیکلی او را همراه فرزندش به زمین می‌زند و با سرقت گوشواره‌ها به سرعت فرار می‌کند.

شناسایی

مأموران پلیس در ادامه بررسی‌های فنی چهره سارقان گوشواره‌های زن جوان را به دست آوردند. چهره به دست آمده به سرعت با الیوم سارقان سابقه‌دار مطابقت داده شد و مأموران دریافتند دو متهم، سارقان سابقه‌داری به نام‌های کیانوش و پژمان هستند که چندین سابقه کیفری در پرونده‌شان ثبت شده است. مأموران دریافتند کیانوش چند روز قبل از زندان به مرخصی رفته و همدستش هم مدتی است که از زندان آزاد شده است. با به دست آمدن این اطلاعات، دو متهم تحت تعقیب قرار گرفتند و مأموران موفق شدند عصر روز پنج‌شنبه چهارم اردیبهشت‌ماه کیانوش را در مخفیگاهش بازداشت و به اداره پلیس منتقل کنند.

گفت‌وگو با متهم

دوستم موتورش را نگه داشت و من پیاده شدم و از پشت سر به زن جوان حمله و گوشواره‌هایش را سرتقت کردم. چطور متوجه گوشواره‌های شاک‌ی شدمی؟

به‌هر حال ما حرف‌های هشتمین و کافی است روسری یا لباس یک زن کمی جابه‌جا شود. ما چشمانمان به طلا حساس است و برقی آن خیلی زود چشمانمان را می‌گیرد و چارهای هم نداریم جز اینکه سرقت کنیم. آن شب هم در یک لحظه دوستم متوجه گوشواره‌های طلای زن جوان شد و من گفت قیمتی است و ارزش ریسک دارد که آن را سرقت کنیم. من هم پیاده شدم و سرقت کردم.

فکر نمی‌کردی اتفاق بدی برای زن جوان و فرزندش بیفتد؟ آن لحظه فقط به فکر سرقت گوشواره‌ها بودم و تصور نمی‌کردم او خواهد در برابر من مقاومت کند.

گوشواره را چند فروختید؟

فرصت نشد بفروشم. البته و زنش بالا بود و فکر کنم ۴۰ میلیون تومانی ارزش داشت و می‌خواستیم در فرصت مناسب بفروشیم که من دستگیر شدم و مأموران هم گوشواره‌های سرقتی را از محل زندگی‌ام کشف کردند.

چرا ادامه ندادی؟

واقعیتش ترسیدیم. وقتی متوجه شدیم فیلم سرقت‌مان در فضای مجازی منتشر شده‌از ترس سرقت‌هایمان را کنار گذاشتیم چون کوچه خلوت بود و می‌توانستیم به ما را شناسایی کرد و من به دام افتادم.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

گواهی موقت پایان تحصیلات اینجناب محمد سعید و زلی زاده دلاور فرزند عزیزاله به شماره شناسنامه / شناره ملی ۵۷۶۲۲۲۰۵۰۵ صادره از بابل در مقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از واحد دانشگاهی سمنان با شماره سریال ۸۲۱۸۸۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضای می‌شود، اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان به نشانی سمنان، کیلومتر ۵ جاده سمنان دامغان، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ارسال نماید.

سمنان